

نوع مقاله : پژوهشی

دماوند در دوره پیش از اسلام از منظر منابع تاریخی و شواهد

محمد رضا نعمتی^{۱*}، حسین توفیقیان^۲، سید مهدی موسوی نیا^۳

چکیده

دماوند یکی از مناطق تاریخی ایران در حاشیه جنوبی البرز مرکزی است که براساس اسناد تاریخی و داده‌های باستان‌شناسی در دوره تاریخی نقش مهمی در تحولات سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی ایران پیش از اسلام داشته‌است. متون تاریخی و به ندرت داده‌های باستان‌شناسی اطلاعات پراکنده‌ای از منطقه دماوند هم‌زمان با دوره ماد، هخامنشی، سلوکی ارائه داده‌است. در پژوهش حاضر تلاش می‌شود با استفاده از متون تاریخی و شواهد باستان‌شناسی مانند کتیبه‌ها، سکه‌ها، مهرها و اثر مهرها و سایر مواد فرهنگی مکشوفه از کاوش‌ها و پژوهش‌های باستان‌شناسی انجام گرفته در محوطه‌های باستانی، جایگاه دماوند در تاریخ ایران در دوره پیش از اسلام تبیین و ارزیابی گردد و خلاءهای علمی را که درخصوص این دوران را مورد مطالعه و پاسخ گوید. در پژوهش پیش رو برای رسیدن به هدف تعیین شده از روش توصیفی-تحلیلی استفاده گردیده است. مطالعات میدانی و کتابخانه‌ای و تحلیل مقایسه‌ای مهم‌ترین روش‌های جمع‌آوری اطلاعات در پژوهش حاضر است. این مقاله تلاش دارد با مطالعه متون تاریخی و شواهد باستان‌شناسی به این پرسش‌ها پاسخ دهد که منطقه دماوند در کدام دوره تاریخی پیش از اسلام از اهمیت و رونق زیادی برخوردار بوده؟ و نقش این منطقه در تحولات دوران پیش از اسلام چگونه بوده است؟. شواهد ترکیبی باستان‌شناسی و تاریخی نشان می‌دهد که دماوند به‌دلیل موقعیت راهبردی نقش مهمی و محوری در تاریخ ایران از دوران تاریخی و بخصوص از اولین سال‌های شکل‌گیری شاهنشاهی اشکانی و ساسانی تا آخرین سال‌های امپراتوری ساسانی و حتی اوایل اسلام ایفا کرده‌است. نام بردن از دماوند در ضمن تشریح درگیری‌های نظامی اوایل دوره ساسانی، حضور دماوند در درگیری‌های نظامی قباد اول، خسرو دوم و یزدگرد سوم، در این کشمکش‌ها تنها بخشی از رویدادهای تاریخ دماوند در دوره ساسانی در ایران است که امروزه به‌لطف شواهد متون تاریخی و شواهد باستان‌شناسی اطلاعات پراکنده‌ای از آن‌ها در دست است.

واژگان کلیدی: دماوند، پیش از اسلام، ماد، هخامنشی، اشکانی، ساسانی.

ارجاع: نعمتی، محمد رضا؛ توفیقیان، حسین؛ موسوی نیا، سید مهدی. ۱۴۰۲. دماوند در دوره پیش از اسلام از منظر منابع تاریخی و شواهد. نشریه جستارهای باستان‌شناسی ایران پیش از اسلام. ۸ (۱): ۱۵۵-۱۶۱.

۱- عضو هیأت علمی پژوهشکده باستان‌شناسی-پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری-تهران-ایران.

* نویسنده مسئول: Mohamadreza1973@gmail.com

۲- استادیار گروه تاریخی، پژوهشکده باستان‌شناسی، پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری-تهران-ایران.

۳- استادیار گروه باستان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی -دانشگاه نیشابور-نیشابور-ایران.

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۲/۲۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۰۱

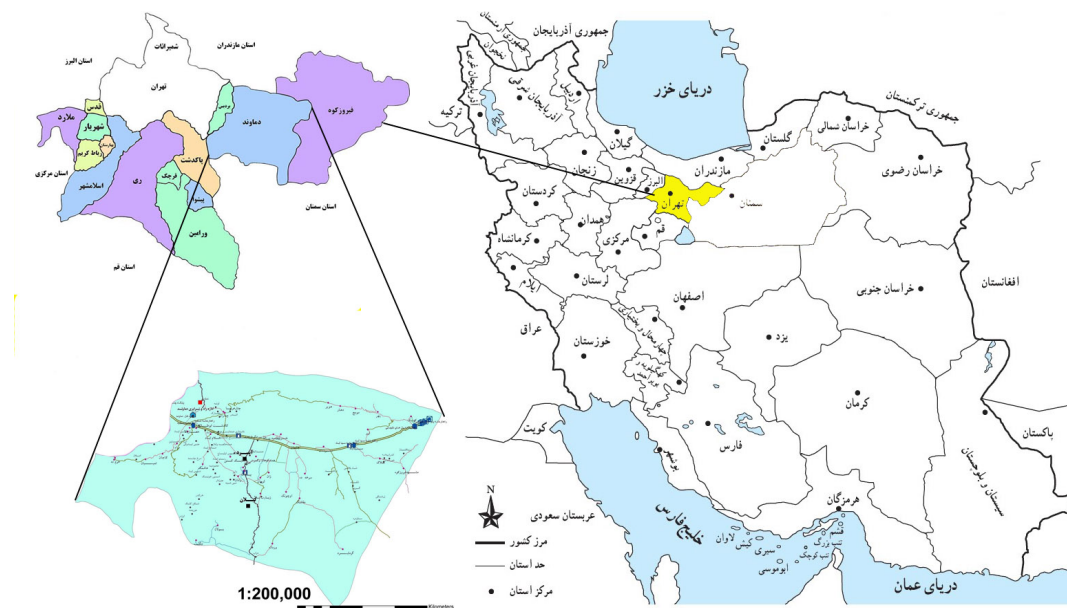
مقدمه

شهرستان دماوند امروزی از غرب به شهرستان رودهن و رود جاجرود از شرق به حوضه آبریز فیروزکوه و از شمال به سلسله جبال البرز و از جنوب به ارتفاعات شمالی ایوانکی محدود می‌گردد. شهرستان دماوند در جنوب قله دماوند و ۷۵ کیلومتری شرق تهران واقع شده است. (بیات، ۱۳۸۱، ۳۰). منطقه دماوند ناحیه ای کوهستانی با آب و هوایی معتدل در تابستانها و سرد در زمستانها است. وضعیت جغرافیایی، ساختار زمین‌شناختی، منابع آب و راه‌های ارتباطی در پیدایش و پراکندگی روستاها و آبادیهای شهرستان دماوند و نوع بهره‌برداری از زمین موثر بوده‌است. این منطقه توسط رودخانه‌های پر آب تار، بار، آه، ایرا، دلیجای، لار و سایر رودخانه‌ها مشروب می‌گردد. (نعمتی، ۱۳۹۴: ۳۹۲).

سرزمین دماوند محدوده وسیعی را شامل می‌شود که در حدفاصل ری و طبرستان واقع شده و به جهت قرار داشتن در منطقه راهبردی در سه راه فلات مرکزی به سرزمین طبرستان، در پیش از اسلام همواره دارای اهمیت بوده است (نقشه ۱). در واقع دماوند بین طبرستان و فلات مرکزی قرار گرفته و موقعیتی عالی از لحاظ راهبردی و نظامی داشته و همواره دروازه طبرستان به سرزمین ری محسوب می‌شد و درگیری بین ملوک و سعی آنان در به تصرف در آوردن این منطقه به همین دلیل بوده است (همان، ۱۳۹۰: ۹). از این منطقه به دلیل کم توجهی باستان‌شناسان و پژوهشگران مدارک و شواهد کمی از دوره پیش از اسلام دماوند در دست است. متأسفانه به رغم این اهمیت، اطلاعات پراکنده‌ای از دماوند در دوره تاریخی ایران در دست است. کتیبه‌های هخامنشی (۵۵۰-۳۳۰ ق. م) در بازسازی دماوند در اوایل دوره تاریخی منابع دست اول هستند. شواهد باستان‌شناسی تنها توانسته‌اند بخش ناچیزی از تاریخ دماوند در دوره ماد تا سلوکی را بازسازی کنند. با این حال از دماوند دوره اشکانی (۲۴۷ ق. م- ۲۲۴ م) و دوره ساسانی (۲۲۴-۶۵۱ م) اطلاعات بیشتری در دست است. امروزه نمونه‌های فراوانی از آثار تاریخی دوره اشکانی و ساسانی در منطقه دماوند در دست است که نشان می‌دهد این منطقه در این دوران یکی از مهم‌ترین مناطق ایران بوده است (همان، مقاله بررسی دماوند). جدا از آثار به دست آمده از کاوش‌های باستان‌شناسی، کتیبه‌ها، سکه‌ها، مهرها و اثرمهرها در کنار متون تاریخی از مهم‌ترین منابع بازسازی منطقه دماوند در دوره تاریخی هستند. در نوشتار حاضر تلاش می‌شود با جمع آوری و ارزیابی یافته‌های باستان‌شناسی و متون نوشتاری به این پرسش‌ها پاسخ داده شود که منطقه دماوند در کدام دوره تاریخی پیش از اسلام از اهمیت و رونق زیادی برخوردار بوده؟ و نقش این منطقه در تحولات دوران پیش از اسلام چگونه بوده است؟.

روش پژوهش

این پژوهش براساس هدف از نوع پژوهش‌های بنیادی و به روش توصیفی تحلیلی در دو مرحله به انجام رسیده است. در مرحله اول اطلاعات مورد نیاز به شیوه اسنادی با بررسی متون تاریخی و جغرافیایی گردآوری و تمام اطلاعات مربوط به منطقه دماوند استخراج و تجزیه و تحلیل شدند. در مرحله دوم نیز یافته‌های حاصل از فعالیتهای میدانی باستان‌شناسی و همچنین یافته‌های اتفاقی که در ارتباط با دماوند پیش از اسلام جمع آوری شده‌اند.



نقشه ۱: موقعیت در سرزمین فعلی دماوند در نقشه ایران و تقسیمات استانی

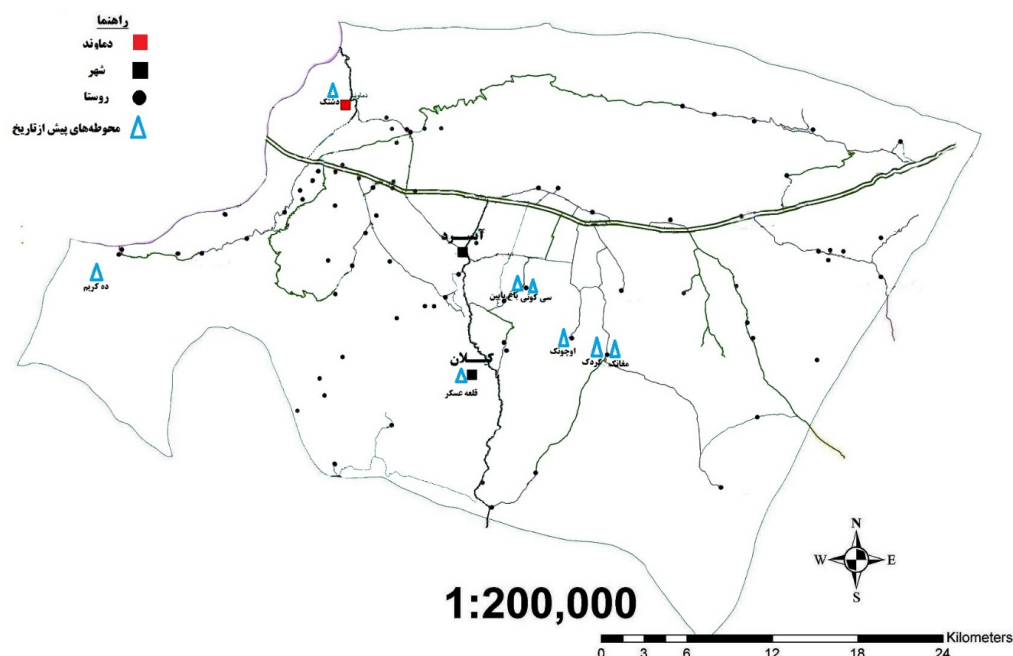
پیشینه پژوهش

در خصوص دماوند در متون جغرافیایی و تاریخی مطالبی به صورت پراکنده آمده است. درباره اساطیر مربوط به دماوند در سال ۱۳۸۱ کتابی تحت عنوان «دماوند خاستگاه اساطیری ایران زمین» به چاپ رسیده است (نصرتی، ۱۳۸۱). اولین مطالعات باستان شناسی در منطقه دماوند را ژاک دمرگان در سال ۱۹۳۱ میلادی به انجام رساند و براساس گزارش‌های وی کل شهر دماوند و اطراف آن به لحاظ اهمیت تاریخی و فرهنگی در مورخ ۱۳۱۰/۰۶/۲۴ با شماره ۵۶ در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسید (پازوکی طرودی، ۱۳۸۱: ۱۰۷). در سال ۱۳۶۹ منطقه قلعه عسگر کیلان دماوند از سوی مرحوم عنایت الله امیرلو مورد بررسی، گمانه زنی و تعیین حریم قرار گرفت که منجر به کشف آثاری از دوران پارینه‌سنگی گردید (امیرلو، ۱۳۷۰: ۹۰). در سال ۱۳۸۰ شهرستان دماوند برای نخستین بار از سوی آقای ناصر پازوکی طرودی بررسی و شناسایی کامل شد که نتیجه بررسی‌های به‌عمل آمده در کتابی تحت عنوان آثار تاریخی دماوند به چاپ رسیده است (پازوکی طرودی، ۱۳۸۱). در سال ۱۳۸۵ اولین فصل کاوش‌های باستان‌شناسی در منطقه دماوند از سوی نعمتی در محوطه تاریخی ولیران انجام شد (نعمتی، ۱۳۸۵). فصل دوم این کاوش‌ها در پاییز ۱۳۸۶ انجام و در این فصل حوضه رودخانه تارو دماوند نیز بررسی و شناسایی شد (همان، ۱۳۸۶).

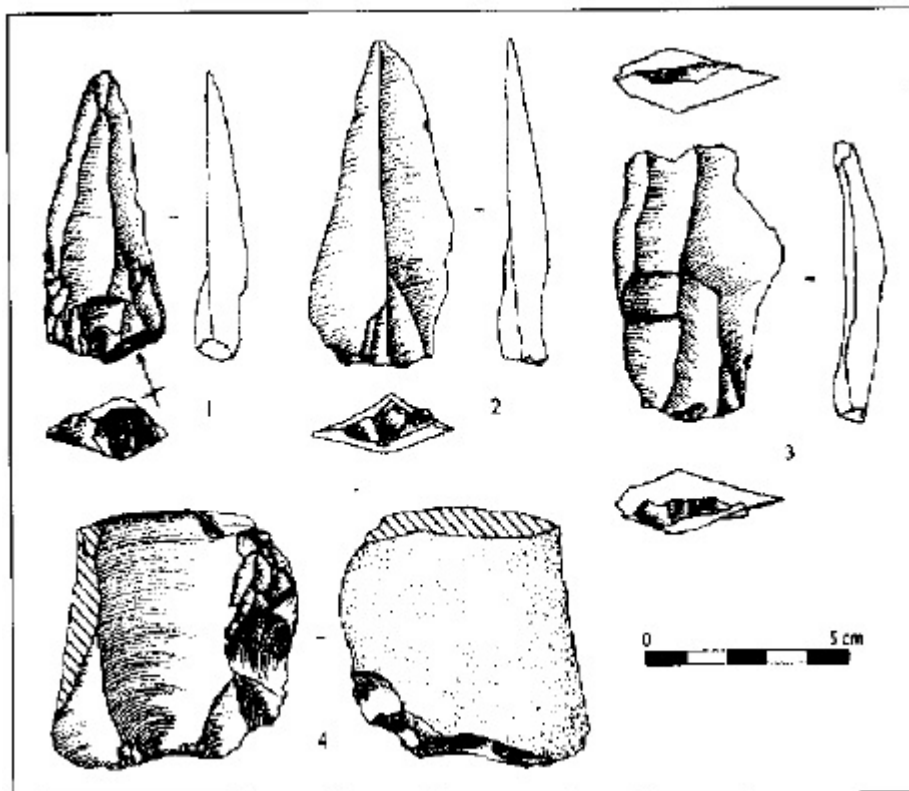
منطقه دماوند در دوره پیش از تاریخ

منطقه دماوند در سال ۱۳۸۴ از سوی هیأت دیرینه‌شناسی انسانی ایران و فرانسه با هدف ارزیابی قابلیت شمال مرکز ایران (حاشیه البرز مرکزی) در ارائه آثار و مدارکی برای مطالعه انسان‌های اولیه مورد بررسی قرار گرفت (عسکری خانقاه و همکاران، ۱۳۸۵: ۱۳ پ). در اچونک و مغانک واقع در ۴۵ و ۵۰ کیلومتری جنوب‌شرقی شهر دماوند ابزارهای سنگی مربوط به دوره دیرینه‌سنگی میانی و دیرینه‌سنگی تحتانی به‌دست آمد. در بررسی‌های انجام شده از محوطه اچونک چهار قطعه ابزار سنگی و از محوطه‌های شناسایی شده در مغانک ۳۶ قطعه ابزار سنگی کشف شد (تصویر ۱). مغانک اولین محوطه مربوط به دوره دیرینه‌سنگی میانی یا دیرینه‌سنگی تحتانی در این بخش از ایران است که در هوای آزاد قرار دارد (همان، ۲۳-۲۲). قلعه عسکر واقع در کیلان دماوند یکی دیگر از محوطه‌های پیش از تاریخ دماوند است که در سال ۱۳۶۸ از سوی هیأت باستان‌شناسی به سرپرستی مرحوم عنایت الله امیرلو از کارشناسان میراث فرهنگی استان تهران کاوش شد (امیرلو، ۱۳۷۰: ۹۰). در یکی از گمانه‌های کاوش شده قطعاتی از ابزار سنگی و از عمده‌ترین کشفیات این محوطه، اجاق‌هایی است که از سوی انسان‌های دوران سنگ استفاده شده‌است. از این محل در واقع به صورت اسکان‌گاه موقت برای جمع‌آوری غذا و شکار استفاده می‌کرده‌اند. براساس مطالعات انجام شده روی آثار به‌دست آمده در کیلان دماوند، این محوطه ای متعلق به ۱۴ تا ۱۸ هزار سال

قبل است (همان). از دوره پارینه‌سنگی در دماوند آثاری از ابزارهای سنگی مربوط به پارینه‌سنگی جدید از محوطه دشتک واقع در دامنه ارتفاعات شمالی شهر دماوند در بین محله دشت مزار و روستای دشتک در بررسی‌های سال ۱۳۸۶ به‌دست آمد (نعمتی، ۱۳۸۷: ۱۱۶). ماکسیم سیرو در کتاب خود از قبرستان پیش از تاریخ در دامنه کوه شهر خبر داده است (نصرتی، ۱۳۸۱: ۵۹-۶۰). براساس مطالعات باستان‌شناسی که تابحال در این منطقه صورت گرفته محوطه یا تپه‌ای از دوره نوسنگی، کالکولیتیک و عصر مفرغ شناسایی و معرفی نشده‌است. بعد از یک وقفه طولانی مدت و با وجود نزدیکی این منطقه به شمال ایران از جمله دشت گرگان و مازندران و همچنین تپه حصار فرهنگ عصرآهن در دماوند و اطراف آن گسترش یافته است. آثار این دوره را همانند سفال‌های خاکستری همراه ابزارهای سنگی شامل اره، تیغه، ابزار برش، ابزار دندان‌دار و سنگ مادر را می‌توان در محوطه دهن و سوزک مشاهده کرد (پازوکی طرودی، ۱۳۸۱: ۴۵۵). علاوه بر این، آثار فرهنگ سفال خاکستری در تپه‌های سی‌کوتی و باغ پایین روستای زان (همان، ۴۵۷ و ۴۵۶)، تپه ده کریم روستای زره‌در (نعمتی، ۱۳۸۶: ۲۳۵) و تپه باستانی گردک مغانک (پازوکی طرودی، ۱۳۸۱: ۴۷۶) شناسایی شده است (نقشه ۲).



نقشه ۲: پراکندگی محوطه‌های پیش از تاریخ



شکل ۱: طراحی ابزارهای سنگی مغانک (۱) و اچونک (۲ تا ۴) (عسکری خانقاه و همکاران، ۱۳۸۵: شکل ۸)

منطقه دماوند در دوره اساطیری

گوبینو درباره قدمت دماوند نوشته است: «دماوند، این بلده کوچک، مسلماً یکی از قدیمی‌ترین شهرهای دنیاست. اعم از این که آن را به جای» ورنه چهارگوش «بشناسیم یا یکی از بناهای قدیم‌ترین اعصار بدانیم. محل شک نیست که تاریخ تولد او در اعصار اولیه است» (گوبینو، ۱۳۶۴: ۱۴).

دماوند، یکی از کهن‌ترین شهرهای اسطوره‌ای و جزو شهرهایی در تاریخ روایی ایران است که کیومرث، نخستین انسان روی زمین، (به اعتقاد ایرانیان باستان) آن را بنیان نهاده است (Tafazzoli, 1993: 630؛ نصرتی ۱۳۷۳: ۹۳ و نصرتی ۱۳۷۶: ۵۸). طبری در این باره نوشته است: «گویند شهر ری نخستین شهر دنیا پس از شهری است که کیومرث در دماوند واقع در طبرستان برای خود ساخته بود» و همچنین آورده «برخی برآن‌اند که محل ولادت منوچهر در دماوند بوده است» (طبری، ۱۳۵۲: ۳۹ و ۴۹). در تاریخ روضه الصفا آمده است: «کیومرث دو شهر بنیاد کرد، یکی اصطخر که بیشتر آن‌جا مقامی داشتی و دوم دماوند که گاهی در آن سرزمین بسر بردی» (میرخواند، بی تا: ۴۹۵). در تاریخ گزیده آمده است «کیومرث سی سال پادشاهی کرد و از آثارش بعضی استخر فارس و دماوند و بلخ است» (مستوفی، بی تا: ۷۶)؛ و در تاریخ کامل آمده است «هوشنگ شهر ری را ساخت، پس از شهری که کیومرث در دماوند ساخت» (اثیر، بی تا، ۲۳۷)؛ و همچنین در تاریخ جهان آرا آمده است «کیومرث ملقب به گل‌شاه؛ یعنی والی خاک، سلطنت او سی سال و اصطخر فارس، و دماوند و بلخ از منشات اوست» (غفاری قزوینی، بی تا: ۲۸). در تاریخ بناکتی در این خصوص آمده است «گویند بنیاد شهر ساختن کیومرث نهاد و شهر بنا کرد، اصطخر و دماوند» (بناکتی، ۱۳۴۸: ۲۷).

بنابر روایت مینوی‌خرد دشت پیشیانی که در بندهشن از آن یاد شده و به نام پیشیندس pishandas و پی شنسی pishansi نیز خوانده می‌شود، در نزدیک کوه دماوند قرار دارد و جسم گرشاسب که در حال بی‌هوشی تا آخر جهان به خواب فرو رفته، در آن‌جا قرار دارد. این پیکر را در این دشت فرو رها محافظت می‌کنند تا در هزاره اوشیدر ماه وقتی ضحاک زنجیر خود را گسست، گرشاسب از سوی امشاسپندان و ایزدان از خواب بیدار می‌شود و ضحاک را نابود می‌کند. به احتمال بسیار نام «پشیان» از این نام گرفته شده است (نصرتی، ۱۳۸۱: ۳۴).

دوره مادها

ماد اصلی به هنگام توسعه به دو بخش ماد بزرگ و ماد کوچک تقسیم گردید، و پهنه ری در حساب ماد بزرگ بود، لکن بعضی سرزمین ری را بنام ماد رازی بخش جداگانه به حساب آوردند، و به بخش‌های دو گانه سابق ماد بیفزودند، و آن را شامل سه بخش دانستند (پیرنیا، ۱۳۱۳؛ ۲۰۷). براساسی نوشته‌های دوره ماد، قسمت‌های جنوبی البرز، از مناطق حائز اهمیت دوره مادها بوده‌است. در بررسی‌هایی که تا به حال در منطقه دماوند انجام شده به تپه یا محوطه‌ای که متعلق به این دوره باشد، اشاره نشده و در خصوص دماوند اطلاعات اندکی در برخی از کتیبه‌های آشوری وجود دارد که به نام کوه بیکنی اشاره کرده اند و برخی از محققین آن را با کوه دماوند یکی دانسته‌اند. کوه بیکنی در کتبه‌های سه پادشاه قدرتمند آشوری، تیگلت پیلسر سوم، سارگن دوم و اسرحدون ذکر شده است.

در نبشته‌های آشوری از پیکشی‌های مادیها و آشوریها در سال ۱۱۵ پیش از شاهنشاهی ایران برابر با ۶۷۴ پیش از میلاد، زمان پادشاهی آسوره‌ادون اسب‌های مادی و سنگ لاجوردی یاد شده، و جای سنگ لاجورد را کوه «بیکنی» یا «اکنو» (حدود دماوند) نوشته‌اند (سامی، ۱۳۵۶: ۳۲). در کتیبه‌های آسارهدون ذکر شده که سپاهیان او به داخل سرزمین مادها ی دوردست لشکرکشی کردند، درحاشیه کویرنمک نزدیک کوه ننگ لاجورد بیکنی (دماوند) به ایالت پاتوشورا و به غرب ایالت خوار یا چورانه. (گرشویچ، ۱۳۸۱: ۱۳۸۷) یکی از بزرگترین پادشاهان آشور، تیگلات پیلسر (۷۴۵ تا ۷۲۷ ق. م) بود که دولت آرامیان را در دمشق و شمال اسرائیل شکست داد و سپاهیان به ایران فرستاد که تا کوه بیکنی پیش رفتند (فرای، ۱۳۷۳: ۹۳). در هفت کتیبه از تیگلت پیلسر به کوه بیکنی اشاره شده‌است (سعیدیان و فیروزمندی، ۱۳۹۵: ۷۹). نام کوه «بیکنی» «Bikni»، «کوه سنگ لاجورد» است که مکرراً در متون آشور نو و به ویژه در آثار تیگلات پیلسر سوم و سارگن دوم آمده‌است (منصوری، ۱۳۷۲: ۶۲). بارتولد نیز گمان برده‌است آشوری‌ها در زمان اسرحدون (Esarhaddon) (۶۸۰-۶۶۹ ق. م) از پادشاهان آشور جدید تا البرز و دماوند رسوخ کرده بودند و این مناطق تحت سلطه آن‌ها بوده است (بارتولد ۱۳۷۲: ۱۵۳).

در سال ۱۹۷۴ دکتر لوین با اشاره به ضعف‌های مشابه در این باره نوشته است: «گسترش دادن وسعت امپراطوری ماد به جانب مشرق، شناختن قلمرو حکومتی و موقعیت جغرافیایی آن را مشکل کرده است. برای تعیین حدود و وسعت امپراطوری ماد در گذشته دو محل شناسایی و مورد تطبیق قرار گرفته بود که امروزه باید کنار گذاشته شوند. یکی از آنها کوه بیکنی در منابع آشوری است که در تاریخ ماد آنجا را با کوه دماوند یکی دانسته‌اند و تطبیقی خیالی و بدون مدرک است. معروفترین کشورگشای آشور سارگون دوم بوده که دورترین لشکرکشی وی به جانب مشرق از گردنه اسداباد همدان تجاوز نکرده است» (Levin, 1974: 119) او سپس در مقاله خود قلعه الوند را به عنوان کوه بیکنی پیشنهاد کرد. این نظریه امروز هواداران بسیار بیشتری نسبت به نظریه بیکنی دماوند دارد (عبدی، ۱۳۷۲: ۲۱).

برخی حاکمان ادعا کرده‌اند که «مادهای دور دست در کناره‌های کوه بیکنی» را تحت سلطه خود در آورده‌اند. از اوایل قرن حاضر تا سال‌های اخیر پژوهشگرانی چون اُمستد و ... در تطابق نام بیکنی با دماوند هم رأی بوده‌اند، ولی هیچ‌گونه مدرکی و دلیلی قانع کننده در مطابقت این دو نام ارائه نداده‌اند. در متون آشوری آمده‌است که کوه بیکنی «با شکوه‌ترین کوه ایران»، «کوه لاجوردین»، «کوه سنگ لاجورد» و نیز کوهی است که در نزدیکی آن بیابان نمکی (دشت کویر) قرار دارد. بنابر نظر پژوهشگران فوق، همه این‌ها اشاره به کوه دماوند دارند؛ چراکه در ایران، بلندترین و با شکوه‌ترین قله که در تمام طول سال پوشیده از برف است و در کنار جاده کان‌های لاجورد در بدخشان قرار داشته و در نزدیکی آن نیز بیابان نمکی قرار دارد، دماوند است (olmmstead, 1923: 363, culican, 1965: 44) و کامرون، ۱۳۶۵: ۱۳).

دلایل مطابقت بیکنی با دماوند توسط این پژوهشگران به‌طور خلاصه چنین است: اولاً که بیکنی شاخص‌ترین کوه ایران در متون آشوری است که بسیار با دماوند همخوانی دارد. دوم آنکه لقب کوه بیکنی معمولاً به عنوان اشاره‌ای مجازی به قله همیشه برف‌گرفته دماوند به‌شمار آمده‌است. سوماً «کوه لاجورد» یعنی اینکه این عنوان برای کوهی به کار رفته که در کنار جاده‌های معادن لاجورد در بدخشان قرار گرفته‌است، و این کوه، دماوند است و در نهایت آنکه در نزدیکی کوه بیکنی بیابان نمکی قرار داشته‌است که ظاهراً منظور دشت کویر بوده‌است (سعیدیان و فیروزمندی، ۱۳۹۵: ۸۰).

دوره هخامنشی

داریوش پس از ایجاد آرامش در کشور، به ساماندهی و تقسیم آن به ساتراپ‌های مختلف پرداخت. وی در کتیبه بیستون از ۲۳ ساتراپی نام می‌برد (ایمان‌پور و شهبادی، ۱۳۸۹: ۳۹). بررسی کتیبه‌های مختلف هخامنشیان نشان می‌دهد که علاوه بر ۲۳ سرزمین و اقوام تحت قلمرو هخامنشیان مطابق با کتیبه بیستون و همچنین سرزمین‌های هند، لیبی و حبشه که بعدها توسط داریوش فتح و یا خراجگزار پارسیان شدند، مابقی سرزمین‌ها موقعیت ثابتی نداشتند و حتی برخی از آنها مانند سکاها و ایونیها به شکل‌های گوناگون، نامیده می‌شدند. این امر، به معنی تحولی عمده در مرزهای قلمرو هخامنشی نیست؛ به دیگر سخن، هر چند که تعداد ساتراپ‌ها و یا ملل تابع پارسیان در سنگ‌نوشته‌های این دوره از زمان داریوش و پس از وی تا حدودی متفاوت ذکر شده‌اند و گاه مانند سنگ‌نوشته خشایارشا تا ۳۱ ساتراپی و یا مانند سنگ‌نگاره‌های اورنگ‌بران تخت شاهی در مقابر شاهان هخامنشی در نقش‌رستم و پرسپولیس تعداد اقوام تا ۳۰ قوم نامبرده شده‌اند، اما بررسی تحولات سیاسی و مقایسه تطبیقی این سرزمین‌ها و اقوام در قلمرو هخامنشیان نشان می‌دهد که تعداد آنها از زمان مرگ داریوش بزرگ، تغییر عمده‌ای نکرد و گستره قلمرو در همان محدوده باقی ماند (ایمان‌پور، ۱۳۸۸: ۲۴).

ماد از جمله ساتراپی‌هایی است که در کتیبه بیستون در ردیف دهم و در کتیبه شوش در ردیف سوم و پس از آن در تمامی کتیبه‌های هخامنشی در ردیف دوم، پس از پارسه آورده شده‌است که نشان دهنده تحول در جایگاه سیاسی این ساتراپ در دوره داریوش است. قلمرو ساتراپ ماد، ایالت وسیعی بود که از ارتفاعات زاگرس مرکزی در غرب و آذربایجان در شمال غربی و دروازه‌های خزر در شمال و دشت نمک در شرق کشیده شده بود (ایمان‌پور و شهبادی، ۱۳۸۹: ۴۶).

در دوره هخامنشی از دماوند، لاجورد به دست می‌آوردند، پیرنیا در این باره نوشته‌است: «اطلاعات ما درباره امتعه و مال التجاره دوره هخامنشی خیلی محدود است، با وجود این آنچه از کتب نویسندگان بر می‌آید، این است که چیزهایی را در ایالات ایران به دست یا عمل می‌آوردند و موارد تجارتي بود: لاجورد در دماوند» (پیرنیا، ۱۳۷۳: ۱۵۱۱).

لویی واندنبرگ در کتاب خود از آتشدان سنگی تراشیده شده در قلعه بان که در گذشته دور جزء دماوند بوده، یاد می‌کند که شباهت بسیاری با آتشدان پاسارگاد دارد (واندنبرگ، ۱۳۴۸: ۱۱۲). از دوره هخامنشی هم شواهد و مدارک باستان‌شناسی حاصل از پژوهش‌های علمی به دست نیامده است.

دوره اشکانی

منطقه ری بعهد اشکانیان اهمیتی خاص پیدا کرد، و سمت پایتختی آن دودمان را بیافت، و بنام ارشکيه نامیده شد (کریمان، ۱۳۴۹: ۱۰۲). تجدید بنای شهر ری به دست اشک دوم یا تیرداد انجام شده‌است. ری در سلطنت فرهاد اول اشک پنجم رسماً به تصرف اشکانیان درآمد و تا پایان روزگار آن دودمان همچنان در اختیار ایشان بماند.

مولف درراللیجان در این خصوص آورده «فرهاد اول» از حد متصرفات طبیعی خود قدم بیرون گذاشت، و جلگه ری را تا دشت قزوین تملک و تصاحب کرد» (اعتماد السلطنه، ۱۳۱۱: ۳۳).

بنابر نامه تنسر، دماوند تحت قلمرو سلسله اشکانیان بوده و در قلمرو حکومت شخصی به نام «جسنف شاه» (گشنسب شاه) قرار داشته است. او در متن نامه، خود را حاکم سرزمین‌های طبرستان، فدی‌شوارگر، گیلان، رویان و دماوند معرفی کرده‌است (مینوی، ۱۳۵۴: ۱۱).

بنابر کارنامه اردشیر بابکان - اردوان پنجم - آخرین پادشاه اشکانی وقتی که خود را در خطر دید، برای مقابله با اردشیر ساسانی از سرزمین دماوند درخواست نیرو کرد. از سویی دیگر فوستون بیزانسی، نام سرداری را ذکر می‌کند به نام «دماوند» که از خانواده کاوسگان بوده و کاوسگان هم نام خانواده‌ای بود که بر سرزمین دماوند حکمرانی داشتند (هدایت، ۱۳۴۲: ۲۲).

کریستن سن معتقد است که بسیاری از نام‌های خانوادگی که به «آن» ختم می‌شود، ظاهراً نام خوانده‌های صاحب اقطاع یا شعب آن‌هاست و می‌نویسد که خانواده کاوسگان به هیچ یک از هفت خاندان مشهور وابستگی نداشته‌اند، بنابراین از این نظر چنین استنباط می‌شود که اینان خانواده‌ای مستقل بودند که بر سرزمین دماوند حکومت می‌کردند و به اقطاع و یا به دولت خود مالیات می‌پرداختند. متأسفانه تاریخ حکومت این خانواده و پایان حکومت‌شان بر ما روشن نیست (کریستن سن، ۱۳۶۷: ۱۲۶). در کارنامه اردشیر بابکان آمده است «اردوان از کستک (ناحیه ناحیه، جانب جانب)، چون از ری و دنباوند و

دیلمان و پدشوارگر سپاه و آخور خواست ...» (هدایت، ۱۳۴۲: ۱۸۴)، بنابراین می‌توان چنین استنباط کرد که سرزمین دماوند در دوره اشکانیان نیز همانند دوره‌های قبل دارای والی، یا ساتراپی بوده که علاوه بر دادن مالیات به اقطاع یا دولت، موظف بوده که هرگاه دولت از لحاظ نظامی به آن‌ها نیازمند بوده به کمک آن‌ها بشتابند. البته لازم به ذکر است که به‌منظور همین تعهد است که می‌بینیم اردوان پادشاه اشکانی برای مقابله با اردشیر، از دماوند درخواست نیرو و کمک کرد. سازمان حکومتی سرزمین دماوند، نوعی از اقطاع و تیول داری بود و صاحبان اقطاع عبارت بودند از حکام ایالات یا امرایی که حکومت به آنان به ارث رسیده بود. اطرافیان این سلسله محلی دماوند غالباً از یک وزیر یا معتمد، چند سپهسالار، چند دبیر، چند محاسب و چند تن مأموران وصول مالیات تشکیل یافته بودند (نصرتی، ۱۳۸۱: ۷۲).

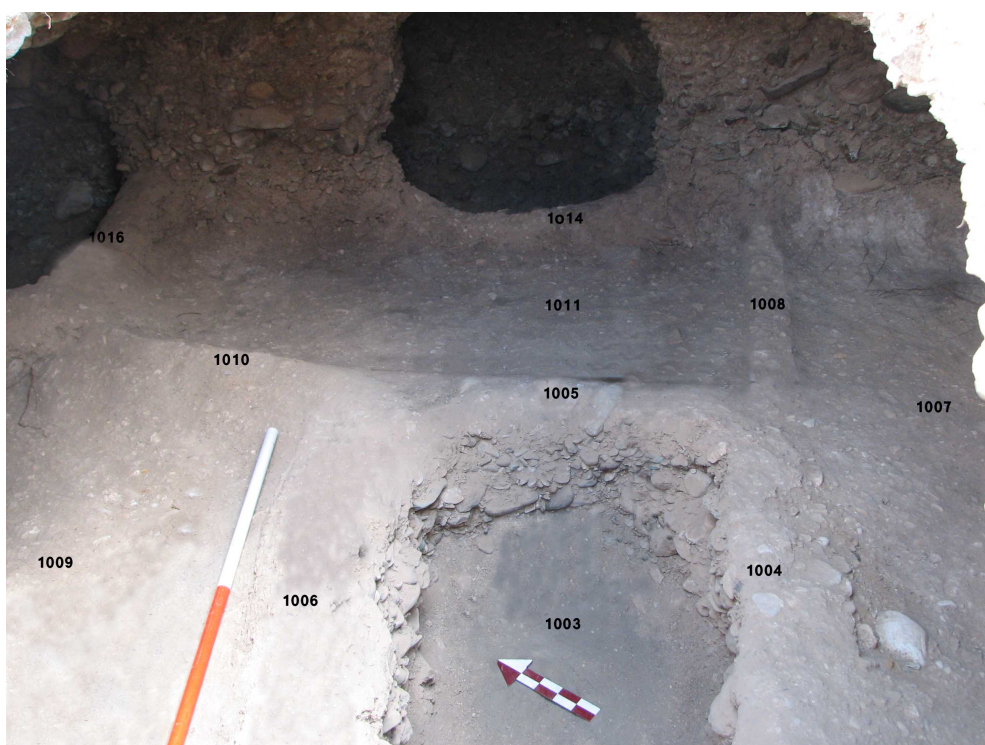
یافته‌های باستان‌شناسی

در کوهان دماوند و به صورت اتفاقی تکوکی از جنس سفال با سر بز کوهی به‌دست آمد که مربوط به سده‌های ۲ و ۱ پیش از میلاد است (تصویر ۱). بلندی آن ۳۸ سانتی‌متر، قطر دهانه ۲۰/۲ سانتی‌متر و قطر دهانه ۱۱/۳ سانتی متر و محل نگهداری آن در موزه ملی ایران به شماره اموال ۴۸۸ است (زایبل، ۱۳۸۰: ۲۹۱). واندنبرگ در کتاب باستان‌شناسی ایران باستان در خصوص این تکوک چنین می‌نویسد: «در گورستانی نزدیک شهر دماوند دو جام بدون پایه که قسمتی از آن به‌شکل سر گوزن است و از جنس گل قرمز است، پیدا شده. همراه دو جام سکه‌هایی بوده که تاریخ‌گذاری آن‌ها را آسان کرده و به‌این طریق توانسته‌اند تاریخ یکی از آن دو جام را از دوران پادشاهی فرهاد دوم ۱۳۸ بعد از میلاد مسیح و دیگری را از عهد مهرداد دوم ۸۸-۱۲۳ پیش از میلاد تشخیص دهند، بنابراین جام‌های مزبور از دوران اشکانیان است (واندنبرگ، ۱۳۴۸: ۶).»

در کاوش‌های باستان‌شناسی محوطه تاریخی ولیران دماوند گورستانی از دوره اشکانی به‌دست آمد که در آن چهار نوع گور با شیوه‌های تدفین مختلف شامل گور سردابه‌ای زیرزمینی (تصویر ۲)، گور خمره‌ای، گورهای گودالی و گورهای سنگ چین شناسایی شد. در این گورها به‌خصوص در گور سردابه‌ای تعداد زیادی اشیاء شامل چهار تکوک و اشیاء متنوع سفالی (تصویر ۳)، ادوات فلزی، قطعات شیشه، ابزارهای سنگی، وسایل چوبی، بازمانده‌هایی از قیر، الیاف پارچه و سکه‌هایی از شاهان اشکانی به‌دست آمد (نعمتی، ۱۳۹۱: ۱۰۴ و ۱۰۶). علاوه بر این در کاوش‌های این گورستان سکه‌هایی متعلق به این دوره کشف گردید (تصویر ۴). سکه‌ها مربوطه به پنج پادشاه اشکانی، شامل: مهرداد دوم (دو سکه)، از فرهاد سوم (۷۰ - ۵۸ / ۵۷ ق. م)، مهرداد سوم (۵۷ - ۵۴ ق. م)، ارد اول (۹۰ - ۸۰ ق. م) و ارد دوم (۵۷ - ۳۸ ق. م) هستند. قدیمی‌ترین سکه متعلق به مهرداد دوم بوده که بین سال‌های ۱۲۳ تا ۸۸ ق. م. بر امپراتوری اشکانی حکومت می‌کرده و جدیدترین سکه متعلق به ارد دوم که بین سال‌های ۵۷ تا ۳۷ ق. م. حکومت کرده است (نعمتی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۲۶).



تصویر ۱: تکوک سفالی مکشوف از کوهان دماوند



تصویر ۲: گور سردابه‌ای مکشوف از ولیران (نگارنده، ۱۳۸۵)



تصویر ۳: ظروف سفالی مکشوف از گور سردابه‌ای ولیران (همان)



تصویر ۴: سکه های دوره اشکانی مکشوف از ولیران (همان)

دوره ساسانی

در دوران ساسانیان نیز سرزمین دماوند همچون دوره های قبل دارای ساتراپ بوده و به نظر می رسد یکی از خانواده های نجبای ملوک الطوائف در دماوند ساکن بوده است (صفایی، ۱۳۳۵: ۷۰).

نام دماوند به پهلوی در کارنامه اردشیر بابکان به صورت دنباوند Dunbawand و در کتیبه های دوران ساسانی چون کتیبه شاپور اول در نقش رستم فارس به صورت دومباوند Dumbawand و دنباوند (Henniny, 1939: 8479) و در نامه تنسر (مینوی، ۱۳۵۴: ۱۱) و شهرستان های ایران (هدایت ۱۳۲۱: ۸-۱۲۷ و عریان ۱۳۶۱: ۶ و تفضلی ۱۳۶۸: ۳۳۵ و ۳۴۷) و همچنین ایرانشهر و کتاب جغرافیای موسی خورنی دُماوند آمده است (مارکوارت ۱۳۷۳: ۳۹). در کتیبه نرسی (۳۰۲-۲۹۳ م) در پایکولی در کردستان، شمال کرمانشاه جایی که آثار ساختمانی نرسه پادشاه ساسانی وجود دارد از «ساتراپ دنباوند» Strpdunbawand یاد شده است (لوکونین: ۱۳۶۵: ۱۸۶). ویلهام آیلرز نیز نام دماوند را بررسی کرده و از ابتدای دوره ساسانی شواهدی را آورده که دنباوند Dunbavand یا دنباوند به معنای «کوه چند منظره» یا «کوه چند قیافه» the mountain of many face بوده است (Eilers, 1988). نام «وسیمگان دماوند» در رساله پهلوی شهرستان های ایران و نیز نام «مَسْمُغان» در منابع دوران اسلامی به عنوان شاهان محلی در دوره ساسانی که تا یک قرن و نیم پس از اسلام نیز حکومت می کردند، حکایت از این دارد که سرزمین دماوند در دوران ساسانی و حکومت اعراب به صورت مستقل به حیات خود ادامه داده است (هدایت ۱۳۲۱: ۸-۱۲۷ و عریان ۱۳۶۱: ۶ و تفضلی ۱۳۶۸: ۳۳۵ و ۳۴۷).

سرزمین دماوند در دوره ساسانیان نیز از لحاظ تقسیمات کشوری همانند دوره های قبل بود. چون «نامه تنسر نامه» تأکید دارد که در پایان حاکمیت اشکانیان، دماوند که تحت قلمرو حکومتی «جسنف شاه» (گشنسب شاه) قرار داشته، پس از پیروزی اردشیر، او خود و سرزمین را تسلیم اردشیر نمود و بدین ترتیب حکومت «جسنف شاه» (گشنسب شاه) که گویا پدر وی نیز همین مقام را داشته، همان طور که در «نامه تنسر» از قول اردشیر نقل شده که: «هر که به اطاعت پیش ما آید تا بر جاده مطاوعت مستقیم باشد، نام شاهی از او نیفکنیم» (ابن اسفندیار، بی تا: ۱۸). حکومتش از سوی اردشیر تأیید شد و او با تابعیت از حکومت اردشیر به شاهی در قلمرو خویش ادامه داد. ابن اسفندیار در این باره نوشته است که جسنف شاه فرمانبردار اردشیر شد و

آن شاهنشاه، او را به شاهی آن ایالت ابقاء کرد. جانشینان جسنف شاه قلمرو حکومتی خاندان خود را تا زمان پادشاهی قباد حفظ کردند، تا این که قباد پادشاه ساسانی عقیده مزدکی را پذیرفت و یک سلسله اقدامات مزدکی انجام داد که مورد غضب روحانیان زردشتی واقع گردید.

کسی که دشمن هولناک قباد بود، شخصی بنام «گشنسب داژ» بود که لقب نخویر و منصب کنارنگ داشت و مشاور و معتمد زرمهر، وزیر قباد بود که رأی داده بود، قباد را بکشید، اما وقتی که قباد فرار کرد و سپس به پادشاهی بازگشت، همه آن‌هایی را که حکم به قتل او داده بودند از جمله گشنسب داژ را به قتل رسانید و خاندان او را که حاکمیت سرزمین پدشخوارگر، گیلان، دیلمان و رویان و دماوند را داشته از پادشاهی خلع نمود (کریستین سن، ۱۳۶۷: ۳۷۲).

بدین ترتیب خاندان گشنسب که از دوره اشکانیان شاهی را در منطقه به دست داشتند، از سوی قباد به سال ۵۱۹ میلادی اضمحلال یافت. پس از آن قباد پسر بزرگ خود را بنام کاووس که اعتقادات مزدکی هم داشت، حاکم سرزمین‌های پدشخوارگر و دماوند و ... کرد. ابن اسفندیار در این باره می‌نویسد که بازماندگان و اخلاف جسنف شاه همین سمت را در دماوند داشته‌اند، تا این که قباد پسر فیروز پس از بار دوم که به تخت نشست، کوشید که کوهستان طبرستان را بیشتر مطیع خود سازد و پسر مهتر خود کیوس (کاووس) را با لقب پدشخوارگر شاه، فرمانروای آن سرزمین کرد. ظاهراً پایتخت کاووس شهر آمل بوده که در رساله پهلوی شهرستان‌های ایران آمده که آن شهر را زندیک؛ یعنی مزدک بنا کرد و چون کاووس طرفدار مزدک بوده، بنابراین به ظن قوی این شهر تختگاه او بوده است (مرعشی، بی‌تا: ۱۴).

مدت حکومت کاووس زیاد طول نکشید، چون قباد پسر کوچکتر خود به نام انوشیروان (خسرو اول) را جانشین خود کرد. انوشیروان از ترس طغیان برادر در سال ۵۳۱ میلادی او را از حکومت خلع و سپس اعدام نمود. انوشیروان پس از اعدام برادر، قارن را که یکی از پسران سوخرا، وزیر قباد بود به حکومت سرزمین‌های پدشخوارگر، دماوند و ... تعیین کرد (کریستین سن، ۱۳۶۷: ۳۷۲).

ابودلف در کتاب خود به حاکمان دوره ساسانی دماوند اشاره کرده و می‌نویسد: «در یکی از رشته‌های کوه دماوند، آثاری از یک ساختمان قدیمی یافتیم که در اطراف آن قبرهایی وجود داشت و نشان می‌داد که محل ییلاقی بعضی از پادشاهان ساسانی بود» (نصرتی، ۱۳۸۱: ۷۴).

با شکست دولت ساسانی به تاریخ ۶۳۲ میلادی و تضعیف قدرت‌های حکمرانان و عمال ایالات و ولایات ایرانی در جهت نگاهبانی از سرزمین کهنسال اجدادی خود، شهرهای ایران یکی بعد از دیگری به تصرف و تسلط سپاه اسلام درآمد و دوره جدیدی در تاریخ این سرزمین آغاز شد. در سال ۱۴۴ ه. ق اسپهبد طبرستان پس از فرار از لشگر خلیفه به دیلمان با خوردن زهر به زندگی خود پایان داد و دماوند نیز به تصرف مسلمانان درآمد، اما افتادن دماوند به دست مسلمانان احتمالاً چند سال پس از آن اتفاق افتاد (فرای، ۱۳۷۳: ۱۷۴). پس از نبرد نهاوند، یزدگرد با سپردن ری به دست سیاوخش مهرانی، مرزبان محلی به اصفهان گریخت و هنگامی که تازیان شهر را تهدید می‌کردند، سیاوخش با بهره‌گیری از یاری اهل دماوند به دفاع از شهر برخاست (فرای، ۱۳۸۵: ۲۴). در سال ۲۲ هجری نعییم بن مقرن که فرماندهی سپاه اسلام را بر عهده داشت از همدان به ری لشکرکشی کرد و آنجا به تصرف درآمد. مسمغان دماوند به نام مردانشاه وقتی که ری را فتح شده دید به ناچار قبل از هر گونه حرکتی از سوی نعییم، پیکتی به سوی ری نزد نعییم گسیل داشت و خواستار صلح شد. بدین ترتیب صلح نامه‌ای مابین پادشاه دماوند و نعییم بن مقرن امضاء شد. بر اساس این پیمان نامه که اولین نشانه اظهار تبعیت رسمی و ظاهری سرزمین دماوند از دستگاه خلافت بود، در سال ۲۲ هجری اتفاق افتاد (ابن اثیر، ۱۳۶۵: ۵۱-۲۵۰).

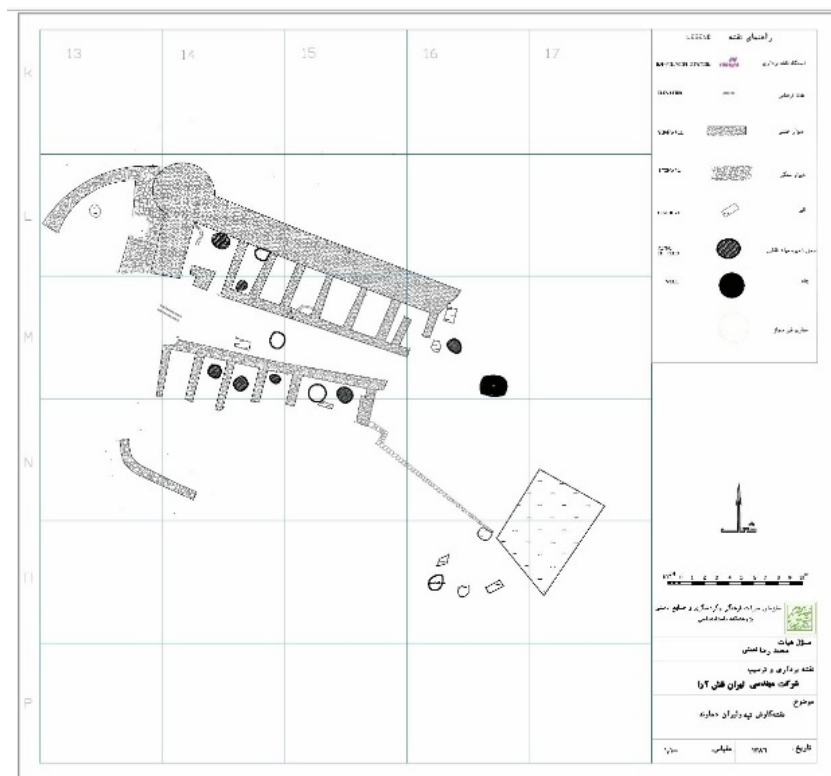
یافته‌های باستان‌شناسی

از آثار مربوط به دوره ساسانی در این منطقه مهوری است که اکنون در موزه کلکته هند است و دارای تاریخ ۴۰۰ میلادی و متعلق به دوره ساسانی است، نقشی روی آن وجود دارد که شامل یک نشان ساسانی شبیه نقش عقرب است که در سمت راست آن یک ستاره و هلال و در سمت چپ نقش شیر نشسته دیده می‌شود و در حاشیه نقش، کتیبه‌ای به خط پهلوی ساسانی دیده می‌شود که نام دماوند در آن آمده است (نوروززاده چگینی، ۱۳۶۷: ۲۱). در بررسی‌های سال ۱۳۸۰ شهرستان دماوند (پازوکی طرودی، ۱۳۸۰) و سال ۱۳۸۶ در حوضه رودخانه تار و دماوند ۲۱ تپه و محوطه با آثار سفالی مربوط به ساسانی

شناسایی شد که اغلب روی تپه ماهورهای بلند و مشرف به رودخانه و دارای وسعتی کمتر از یک هکتار بودند. بیشتر آن‌ها قلعه‌های کوچکی هستند که دارای کاربری نظامی و یا محلی برای ذخیره آذوقه بودند (نعمتی، ۱۳۹۴: ۴۵۱-۴۵۰).

در کاوشهای باستان‌شناسی محوطه تاریخی ولیران دماوند در سالهای ۱۳۸۵ و ۱۳۸۶ بقایای یک قلعه‌ی کوچک به ابعاد 40×50 متر در جهت شرقی-غربی به دست آمد. این بنا دارای چهار برج دایره‌ای شکل بوده که تنها بخشی از برج شمال غرب آن باقی مانده است (تصویر ۵). دیوارهای اصلی قلعه به ضخامت ۲۷۰ سانتی‌متر و از خشتهایی به ابعاد ۱۲ - 42×44 - 10×44 سانتی‌متر و ملات نازک با گل سفید رنگ ساخته شده‌اند که روی بستر اصلی تپه قرار گرفته است. مصالح بکار برده شده در بنا، شامل لاشه سنگ و قلوه سنگ‌های رودخانه‌ای در پی دیوارهای داخلی، خشت و چینه در دیوارها، ملات گل و گچ است نعمتی، ۱۳۹۰: ۲۰۹-۲۰۸)

در کاوش‌های انجام شده در این محوطه هشت قطعه سکه مربوط به دوره ساسانی به دست آمد (تصویر ۶). قدیمی‌ترین سکه مکشوف از بخش ساسانی ولیران متعلق به سال شانزدهم از سلطنت خسرو اول (۵۴۷ / ۵۴۶ م) و ضرب ابرشهر است. از سال هفتم سلطنت هرمز چهارم (۵۸۶ / ۵۸۵ م) یک سکه ضرب یزد به دست آمد. از خسرو دوم (۶۲۸ - ۵۹۱ م) شش قطعه سکه مربوط به سال دوم سلطنت (۵۹۳ / ۵۹۲ م) و ضرب یزد، سال پانزدهم سلطنت (۶۰۷ / ۶۰۶ م) و ضرب شوش، سال بیست و پنجم (۶۱۷ / ۶۱۶ م) سلطنت و ضرب میشان، سال بیست و هشتم سلطنت (۶۲۰ / ۶۱۹ م) و ضرب بلخ، سال سی و یکم سلطنت (۶۲۳ / ۶۲۲ م) و ضرب شیراز، و سال سی و پنجم سلطنت (۶۲۶ / ۶۲۷ م) و ضرب اردشیرخوره است. کشف این سکه‌ها با محل ضرب‌های مختلف نشان دهنده ارتباط مستقیم منطقه دماوند با شهرهای ضرب کننده سکه است (نعمتی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۲۷). علاوه بر سکه‌ها، ظروف و قطعات سفال، سفال نوشته‌هایی به پهلوی ساسانی، سرپیکانهای آهنی، سنگهای کمربند، مهر و اثرمهر و سنگهای وزنه نیز به دست آمد.



تصویر ۵: پلان معماری ساسانی مکشوف از ولیران (نگارنده، ۱۳۸۶)



تصویر ۶: سکه‌های دوره ساسانی مکشوف از ولیران (نگارنده، ۱۳۸۵)

نتیجه‌گیری

منطقه دماوند براساس شواهد و مستندات باستان‌شناسی دارای آثاری از دوره دیرینه‌سنگی میانی یا دیرینه‌سنگی تحتانی است. این منطقه به واسطه موقعیت جغرافیایی و قرار گرفتن در مسیر شرق به غرب و همچنین محل اتصال فلات مرکزی به تیرستان یکی از مهم‌ترین مناطق ایران در دوره تاریخی است. با توجه به موقعیت جغرافیایی دماوند و قرارگیری آن در حدفاصل شرق به غرب و همچنین فلات مرکزی ایران به شمال کوه‌های البرز مطالعات و شواهد باستان‌شناسی کمی وجود دارد. از دوره ماد و هخامنشی دماوند به دلیل نبود شواهد باستان‌شناسی تنها می‌توان به اطلاعات اندکی که از میان کتیبه‌های آشور نو و هخامنشی حاصل می‌شود، اکتفا کرد که بیشتر آنها با شبهه روبرو هستند. از دوره سلوکی منطقه دماوند در متون تاریخی سخنی به میان نیامده و در پژوهش‌های باستان‌شناسی انجام شده در این منطقه آثاری از این دوره تاکنون به دست نیامده است. متون تاریخی تنها بخش محدودی از تاریخ دماوند در دوره اشکانی را بازسازی کرده است. پس از پیروزی‌های اردشیر یکم در اواخر دوره اشکانی حاکمان تابعیت خود را نسبت به اردشیر یکم اعلام کردند و بدون قید و شرط خود را تسلیم کرده و به حکومت خود ادامه دادند. یافته‌های باستان‌شناسی که تاکنون کشف شده نشان می‌دهد که دماوند در این دوره دارای استقرارهای کوچ رو و فصلی بوده و آثار و بقایای استقرارهای دائمی تا به حال شناسایی نشده است. از دماوند در دوره ساسانی نسبت به دیگر ادوار دوره تاریخی ایران، شواهد تاریخی و باستان‌شناسی بیشتری در دست است. نام بردن از دماوند و مردمان این منطقه در ضمن رویدادهای سیاسی اوایل دوره ساسانی، بالقوه نشان می‌دهد دماوند در معادلات قدرت در اوایل دوره ساسانی نقش آفرینی کرده است. در زمان پادشاهی قباد خاندان گشنسب داد که از زمان اشکانیان در این منطقه حکومت می‌کردند اضمحلال یافت. در مجموع، با استناد به متون تاریخی و شواهد باستان‌شناسی همچون معماری، سفال، مهرشناسی و سکه‌شناسی، دماوند یکی از مناطق تاثیرگذار ایران در دوره ساسانی بوده و به دلیل شرایط جغرافیایی بیشتر از سایر دوره‌های تاریخی مورد توجه بوده است. حضور برجسته دماوند در رویدادهای سیاسی اوایل دوره ساسانی نشان دهنده اهمیت و جایگاه برجسته این منطقه در تاریخ ایران دوره ساسانی است. به منظور دستیابی به اطلاعات بیشتر در خصوص دوره تاریخی منطقه دماوند نیاز به انجام کاوش‌های باستان‌شناسی و مطالعات گسترده‌تر است.

کتاب نامه

۱. ابن اسفندیار، بهاء‌الدین محمد بن حسن بن کاتب، (بی‌تا)، *تاریخ طبرستان*، به تصحیح عباس اقبال، تهران: کلاله خاور.
۲. ابن اثیر، عزالدین علی، (بی‌تا)، *تاریخ کامل وقایع قبل از اسلام*، جلد ۱، ترجمه ابوالقاسم حالت، تهران: علمی.
۳. ابن اثیر، علی بن محمد، ۱۳۶۵، *اخبار ایران از الکامل ابن اثیر*، ترجمه محمد ابراهیم باستانی پاریزی، تهران: دنیای کتاب، چاپ دوم.
۴. اعتماد السلطنه، محمد حسن خان، ۱۳۱۱، *درالتیجان فی تاریخ بنی الاشکان*، تهران.
۵. امیرلو، عنایت الله، ۱۳۷۰، «کاوش در دماوند»، *مجله باستان شناسی و تاریخ*، شماره ۹-۸، صص ۹۰.
۶. ایمان‌پور، محمدتقی، ۱۳۸۸، «بررسی جایگاه سیاسی ساتراپ‌های هخامنشی در دوره داریوش بزرگ با تکیه بر کتیبه‌ها»، *تاریخ ایران*، شماره ۶۱/۵، صص ۵۷-۲۳.
۷. ایمان‌پور، محمدتقی، شهبادی، علی اکبر، ۱۳۸۹، «بررسی تحلیلی محدوده های جغرافیایی و اداری ساتراپی های هخامنشی در کتیبه بیستون»، *مطالعات تاریخ فرهنگی*، پژوهشنامه انجمن ایرانی تاریخ، شماره ۵، ۶۳-۳۷.
۸. بارتولد، ولادیمیر، ۱۳۷۲، *تذکره جغرافیای تاریخی ایران*، ترجمه حمزه سردادور، چاپ سوم، تهران: انتشارات توس.
۹. بلعمی، ابوعلی محمد، ۱۳۵۳، *تاریخ بلعمی*، تکمله و ترجمه تاریخ طبری، تصحیح محمد تقی بهار، به کوشش محمد پروین گنابادی، چاپ ۲، تهران: زوار.
۱۰. بناکتی، فخرالدین ابوسلیمان، ۱۳۴۸، *تاریخ بناکتی*، به کوشش محمد جعفر شعار، تهران: انجمن علمی آثار.
۱۱. پازوکی طرودی، ناصر، ۱۳۸۱، *آثار تاریخی دماوند*، تهران: انتشارات اداره کل میراث فرهنگی استان تهران.
۱۲. پازوکی طرودی، ناصر، ۱۳۸۱، *معرفی اجمالی دماوند و فهرست آثار تاریخی - فرهنگی آن*، تهران: انتشارات اداره کل میراث فرهنگی استان تهران.
۱۳. پیرنیا، حسن، ۱۳۷۳، *تاریخ ایران باستان*، جلد ۲، چاپ ششم، تهران: انتشارات علم.
۱۴. پیرنیا، حسن، ۱۳۱۳، *ایران باستان*، جلد اول، تهران.
۱۵. تفضلی، احمد، ۱۳۶۸، «رساله شهرستان‌های ایران»، در *شهرهای ایران*، به کوشش محمد یوسف کیانی، جلد ۲، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.
۱۶. توحیدی، فائق، ۱۳۷۷، «بررسی هنری و کاربردی ظروفی به نام تکوک ساغر در هنر ایران»، *موزه‌ها*، شماره ۲۰، تهران: اداره کل آموزش و انتشارات و تولیدات فرهنگی.
۱۷. خواند میر، ۱۳۳۳، *حبیب السیر*، تهران: خیام.
۱۸. زاپل، ویلفرید، ۱۳۸۰، *هفت هزار سال هنر ایران*، تهران: انتشارات موزه ملی ایران و موزه تاریخ وین.
۱۹. سامی، علی، (بی‌تا)، *خط و تحول آن در شرق باستان*، تهران: بی جا.
۲۰. سعیدیان، سعدی، فیروزمندی شیر، بهمن، ۱۳۹۵، از کوه سیلخ‌زو تا کوه بیکنی: جغرافیای تاریخی سرزمین ماد در دوره آشور نو، *مطالعات باستان‌شناسی*، دوره ۸، شماره ۲، صص ۸۹-۷۱.
۲۱. صفایی، علی، ۱۳۳۵، *دماوند، اوضاع اقتصادی و اجتماعی*، تهران: معرفت.
۲۲. طبری، محمد بن جریر، ۱۳۴۶، *تاریخ طبری*، جلد اول، ترجمه ابوالقاسم پاینده، چاپ دوم، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
۲۳. عبدی، کامیار، ۱۳۷۲، «وارسی دوره ماد»، *مجله باستان شناسی و تاریخ*، شماره اول، سال هشتم، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
۲۴. عریان، سعید، ۱۳۶۱، «شهرهای ایران»، *چیستا*، شماره ۵، سال دوم.
۲۵. عسکری خانقاه، اصغر، ژیل بریون، ژان ژاک باهن، والری زیتون، بنو اشویه، ۱۳۸۵، *پژوهش‌های باستان‌شناسی و مطالعات میان رشته‌ای*، شماره ۴، صص: ۲۵-۱۲.
۲۶. غفاری قزوینی، قاضی احمد، (بی‌تا)، *تاریخ جهان آراء*، به سعی و همت مجتبی مینوی، تهران.
۲۷. فرای، ریچارد، ۱۳۷۳، *میراث باستانی ایران*، ترجمه مسعود رجب نیا، تهران: علمی و فرهنگی.

۲۸. فرای، ریچارد، ۱۳۹۴، *تاریخ ایران کمبریج، از فروپاشی دولت ساسانی تا آمدن سلجوقیان*، جلد چهارم، ترجمه حسن انوشه، تهران: امیرکبیر.
۲۹. کامرون، جورج، ۱۳۶۵، *ایران در سیه دهم تاریخ*، ترجمه حسن انوشه، تهران: علمی فرهنگی.
۳۰. کریستن سن، آرتور، ۱۳۶۷، *ایران در زمان ساسانیان*، ترجمه رشید یاسمی، چاپ اول، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۳۱. کریمان، حسین، ۱۳۴۹، *ری باستان*، جلد ۲، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
۳۲. گرشویچ، ایلیا، ۱۳۸۷، *تاریخ ایران (ماد)*، ترجمه بهرام شالگونی، تهران: جام.
۳۳. گوینو، کنت دو، ۱۳۶۴، *تاریخ ایرانیان*، ترجمه ابوتراب خواجه نوریان، چاپ ۲، تهران.
۳۴. لوکونین، ولادیمیر گریگوریوویچ، ۱۳۶۵، *ایران ساسانی*، ترجمه عنایت اله رضا، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۳۵. مارکوارت، یوزف، ۱۳۷۳، *ایران شهر بر مبنای جغرافیای موسی خورنی*، ترجمه مریم میراحمدی، تهران: اطلاعات.
۳۶. مستوفی قزوینی، حمدالله، (بی تا)، *تاریخ گزیده*، به اهتمام دکتر عبدالحسین نوایی، تهران: امیرکبیر.
۳۷. منصوری، فیروز، ۱۳۷۲، «سنگ لاجورد»، *مجله میراث فرهنگی*، سال هشتم و نهم.
۳۸. میرخواند، محمدبن خاوندشاه، (بی تا)، *روضه الصفا*، عباس پرویز، تهران: بی جا.
۳۹. مینوی، مجتبی، ۱۳۵۴، *نامه تنسر به گشنسب*، با همکاری محمد اسماعیل رضوانی، چاپ دوم، تهران: خوارزمی.
۴۰. نصرتی، مسعود، ۱۳۸۱، *تاریخ دماوند و آثار تاریخی آن*، تهران: انتشارات فیض کاشانی.
۴۱. نصرتی، مسعود، ۱۳۸۱، *دماوند خاستگاه اساطیری ایران زمین*، تهران: انتشارات فیض کاشانی.
۴۲. نصرتی، مسعود، ۱۳۷۶، «جغرافیای تاریخی دماوند»، *مجله باستان شناسی و تاریخ*، سال یازدهم، شماره اول و دوم، شماره پیاپی ۲۱-۲۲.
۴۳. نوروززاده چگینی، ناصر، ۱۳۶۷، «مازندران در دوره ساسانی»، *مجله باستان شناسی و تاریخ*، سال دوم، شماره دوم، صص ۱۷-۲۲.
۴۴. نعمتی، محمدرضا، ۱۳۸۶، «فصل اول کاوش محوطه تاریخی ولیران دماوند»، *گزارش های باستان شناسی*، شماره ۷، جلد ۲، پژوهشگاه سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، صص: ۳۹۱-۳۶۹.
۴۵. -----، ۱۳۸۷، «پژوهشی در فرهنگ و هنر دوره اشکانی در فلات مرکزی ایران بر اساس ریتون های مکشوفه از محوطه تاریخی ولیران دماوند»، *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران*، شماره ۴-۱۸۶، دوره ۵۹، صص: ۲۹۷-۲۷۹.
۴۶. -----، ۱۳۸۶، «محوطه تاریخی ولیران»، *ویژه نامه همایش پژوهش های باستان شناسی استان تهران در سال ۱۳۸۵*، ناشر: پژوهشکده باستان شناسی با همکاری سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان تهران و دانشگاه آزاد اسلامی واحد ورامین-پیشوا، صص: ۲۹-۲۳.
۴۷. -----، ۱۳۹۸، «مطالعه و تحلیل سکه های مکشوف از محوطه ولیران دماوند»، *مجله پژوهش های باستان شناسی ایران*، دانشگاه بوعلی سینا، شماره ۱۲، سال ۹۸، صص: ۱۲۹-۱۱۵.
۴۸. -----، ۱۳۹۱، «بررسی شیوه های تدفین دوره اشکانی ولیران دماوند»، *مطالعات باستان شناسی*، شماره ۲، صص: ۱۰۲-۱۲۲.
۴۹. -----، ۱۳۹۴، *استقرارهای اشکانی و ساسانی حوضه رودخانه تار و دماوند*، کتاب *مفاخر باستان شناسی ایران*، به کوشش مرتضی حصاری، تهران: پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری.
۵۰. -----، ۱۳۸۵، *گزارش فصل اول کاوش های باستان شناسی محوطه تاریخی ولیران*، پژوهشکده باستان شناسی، گزارش منتشر نشده.
۵۱. -----، ۱۳۸۷، *گزارش فصل دوم کاوش های باستان شناسی محوطه تاریخی ولیران*، پژوهشکده باستان شناسی، گزارش منتشر نشده.
۵۲. -----، ۱۳۷۷، *باستان شناسی و هنر قلمرو غربی دولت پارت*، استاد راهنما: ناصر نوروززاده چگینی، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تهران.
۵۳. واندنبرگ، لویی، ۱۳۴۸، *باستان شناسی ایران باستان*، ترجمه عیسی بهنام، چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

۴. هدایت، صادق، ۱۳۴۲، *کارنامه / ردشیر بابکان*، تهران: امیرکبیر.

۵۵. هدایت، صادق، ۱۳۲۱، «شهرستان‌های ایران»، *مجله مهر*، سال ۷، شماره اول، صص: ۴۷-۵۵.

56. Culican, W, 1965, *The medes&Persian*, London.

57. Eilers, Wilhelm, 1988, **Der name Demavand**, Nachdr der Ausabe prage 1954-69, Hildesheim.

58. HENNINY w.b, 1939, **The great inscription of sapur1.bsosIX.**

59. Levine, Lois.D, 1974, "Geographical studies in the the Assyrian Zagros II" Iran , vol 12.

60. Olmstead, A.A, 1923, **history of Assyria**. Chicago .

61. Tafazzoli, A, 1993, DamavandII: in Iranian mythology, *Encyclopedia Iranica* vI/6.